



## محبوبترین فرد نزد خدا چه کسی است/ فروپاشی نظام خانواده در غرب ناشی از نگاه ابرازی به محبت است

یک مدرس و پژوهشگر فلسفه یکی از دلایل فروپاشی نظام خانواده در غرب را لذت‌گرایی و سودجویی خواند و گفت: هر زمانی که یکی از این دو در ابراز محبت وجود نداشته باشد...

یک مدرس و پژوهشگر فلسفه یکی از دلایل فروپاشی نظام خانواده در غرب را لذت‌گرایی و سودجویی خواند و گفت: هر زمانی که یکی از این دو در ابراز محبت وجود نداشته باشد، هرگز محبت نمی‌کنند و با این منطق می‌بینیم که نظام خانواده که بیشترین ابراز محبت در آن ظهور می‌کند؛ در غرب دچار چالش شده است. حجت الاسلام دکتر احمدحسین شریفی عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) در گفتگو با خبرنگار مهر درباره نسبت دین و محبت، گفت: اگر منظور از محبت عشق به خداوند باشد؛ می‌تواند هم زمینه دینداری و هم محصول دینداری شود، تا محبت نسبت به حقیقت و کمال و سعادت نباشد، طبیعتاً فرد دنبال دین که پیام‌آور سعادت و کمال است؛ نخواهد رفت. لذا یک نوع علاقه و عشق به کمال و حقیقت زمینه دینداری است و شرط ورود به عرصه دین است و از طرفی برای تعمیق دینداری حتماً باید به آن ابعاد محبت‌خیز و آن ابعادی که عشق و محبت انسان را به خالق هستی بیشتر می‌کند؛ توجه بیشتری صورت گیرد لذا در روایات توصیه شده است که محبت خدا را در دل مردم با یادآوری نعمتهایی که به آنها اعطا شده است ایجاد کنید.

وی تأکید کرد: دیندار واقعی به طور قطعی این نوع محبت را نسبت به مردم دارد و کسی نمی‌تواند ادعای دینداری کند و ادعای مسلمانی کند اما محبت نسبت به همه مخلوقات نداشته باشد. برای همین در روایات اسلامی فراوان داریم که &#171;احب الناس عبدالله انفعهم لخلقه&#171; یا &#171;... احبهم لخلقه&#171; محبوبترین مردم در نزد خدا کسانی هستند که بیشترین سود را برای خلق خدا داشته باشند و خلق خدا اعم از انسانها هستند یعنی حتی نسبت به محیط زیست و موجودات عالم انسان مؤمن واقعی عشق می‌ورزد چون همه آنها را آفرینده خداوند می‌داند.

این مدرس و پژوهشگر در پاسخ به این سؤال که با این توضیحات جوامع دینی باید با محبت تر باشند اما چرا در خاورمیانه که خاستگاه ادیان الهی است، تصویری خشونت‌آمیز وجود دارد؟ گفت: امروز عدم دوستی و محبت مختص جوامع دینی و به ویژه اسلامی نیست و این مشکل امروز جامعه جهانی است. اما این فضای خشونت‌آمیز در جوامع اسلامی علل مختلفی دارد که یکی از دلایل آن برداشتهای بد از دین است. عده‌ای مثل سلفیون اسم اسلام را به یدک می‌کشند، کجای اسلام گفته است که اگر کسی هم‌عقیده تو نبود او را به رگبار بندد؟ اینها به مانند روباتهای انسان‌نمایی هستند که تحت کنترل و اراده سازندگان شان هستند و هرطور که آنها بخواهند عمل می‌کنند و الا برادران هم مسلک و هم مذهب اینها در فلسطین سالهاست تحت ظلم اسرائیل هستند اما اینها یک تیر و یا حتی یک سنگ به سوی رژیم صهیونیستی پرتاب نکردند اما فرد دیگری که آن هم اهل سنت است اما با اسرائیل و قدرت غرب مخالف هست، با این نوع افراد از سر دشمنی وارد می‌شوند و سعی می‌کنند با خشن‌ترین وجه ممکن او را از بین ببرند.

حجت الاسلام شریفی، سلفیون تکفیری را نمونه بارزی از فهم نادرست از اندیشه‌های اسلامی خواند و گفت: حتی خوارجی که در تاریخ اسلام وجود داشتند؛ رفتار محبت‌آمیز با سایر مسلمانان نداشتند و منشأ این رفتار آنها این بود که خود را اسلام محض می‌پنداشتند و بقیه را باطل می‌خواندند و آن هم باطلی که واجب القتل است! دلیل دیگر این فضای خشونت‌آمیز بر چهره جهان اسلام این است که دشمنان اسلام نمی‌خواهند در عالم اسلام آن معنویت اصیل اسلامی بروز کند و این مسئله اعلام شده از سوی آنهاست و جمله هانتینگتون است که اگر می‌خواهیم تمدن غرب پابرجا باشد باید مرزهای عالم اسلام همواره خونین باشد.

وی یادآور شد: دشمنان اسلام با این طراحی‌ها می‌خواهند چهره خشن از اسلام ارائه دهند تا گرایش شدیدی که جامعه غرب نسبت به اسلام دارد، را تحت الشعاع قرار دهند. پس این وضعیت بخش عظیمش منشأ بیرونی دارد چون در طول تاریخ اسلام هرگز شیعه و سنی ولو با وجود اختلافاتی که دارند اما این اختلافات هرگز به گونه‌ای نبوده است که کسی را که حتی شیعه مصطلح نیست و علوی است به جرم گرایش محبت‌آمیز به اهل بیت(ع) اینگونه بکشند و وقایعی را که امروز در لبنان و سوریه می‌بینیم را رقم بزنند. رسانه‌های غربی طوری تبلیغ می‌کنند که گویی شیعه و سنی دیروز و یا پربروز ایجاد شده است در حالیکه صدها سال است که این دو گرایش عمده اسلامی در کنار هم به خوبی زندگی می‌کردند.

این مدرس و پژوهشگر فلسفه درباره اینکه محبت در جوامع غیر دینی چگونه تعریف می‌شود؛ گفت: جوامع غیردینی گونه‌های مختلفی از جمله مارکسیستی، لیبرالیستی و ... دارند. در جوامع لیبرالیستی که بیشتر در جوامع غربی چنین فرهنگی حاکم است؛ منطق اولیه آنها سود و لذت است. لذا اگر ابراز محبتی هم می‌کنند بر همین مبناست. لذا هر زمانی که یکی از این دو در ابراز محبت وجود نداشته باشد، هرگز محبت نمی‌کنند به تعبیر یکی از اندیشمندان غربی "دوستان آمدنی و رفتنی هستند آنچه باید بماند لذات و منافع

است". با این منطق می بینیم که نظام خانواده که بیشترین ابراز محبت در این عرصه ظهور می کند؛ در غرب دچار چالش شده است.

شریفی تصریح کرد: در غرب عمدتاً نظام خانواده از هم فروپاشیده است و تعداد اندکی خانواده هسته ای یعنی متشکل از پدر و مادر و فرزندان را می بینیم و بیشتر خانواده های غربی یا مادر با فرزندش هست و یا خانواده مجردان است و یا با حیوانات زندگی می کنند و بر اساس مطالعه ای ظرف 20 سال آینده، جمعیت حیوانات خانگی بیشتر از جمعیت شوهران و یا زنان در خانواده غربی خواهد بود و این نشان می دهد مبنای محبت شان لذت و سود است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) افزود: از لحاظ سیاسی نیز می بینیم که جوامع غربی هیچ جامعه دوست دائمی ندارند؛ اینها تا زمانی که سودشان در دوستی با صدام و قذافی بود مشکلی نداشتند اما همین که دیدند منافع شان دیگر اینگونه تأمین نمی شود اجازه نابودی آنها را به بدترین وجه دادند و یا در مورد حسنی مبارک چگونه رفتار کردند؟، چه در بعد خانوادگی و چه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز اینگونه هستند.

حجت الاسلام شریفی در پایان تأکید کرد: در غرب محبت والدین نسبت به فرزندان به این گونه است که اگر بچه ای بفهمد که با شکایت از والدین پولی به دست می آورد، تقریباً تردیدی در این کار نمی کند و یا اگر پدری بداند که با شکایت از فرزندش به پولی دست پیدا می کند، این شکایت را می کند. لذا محبت بر مبنای منافع مادی شکل می گیرد و این ناپایدار است و معدل تداوم ازدواج در آمریکا 5 سال اعلام می شود در حالیکه در جوامع اسلامی غیر از این می بینیم و محبت های خانوادگی و اجتماعی و محبت به هم نوع نهادینه است ولی در کشورهای غربی بر اساس مبنای معرفتی لذت گرایی و سودگرایی ابراز محبت وجود دارد.